

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله الذين بهم فتح الله و بهم يختم الله و لعنة الله على أعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله.

هفتم ماه صفر بنا بر مشهور، مصادف با روز شهادت امام حسن مجتبی ع است، بدین مناسبت سخنی را از آن امام همام، به قصد استفاده و تبرک انتخاب کردیم.

مرحوم ابن شعبه حرانی ره از علمای قرن چهارم از اساتید جناب شیخ مفید ره در کتابی به نام تحف العقول، روایاتی را گرد هم آورده است، تبویب و انتخاب احادیث نشان از خوش سلیقگی نویسنده دارد، البته کتاب از نداشتن سند در رنج است. شاید اسناد در دسترس جناب ابن شعبه حرانی نبوده است هر چند مانند روایتی که امروز محور سخن است، متن آن انسان را از سند بی نیاز می سازد.

قال الامام الحسن المجتبی علیه السلام : اللؤم ان لا تشکر النعمة . پستی و ناکسی این است که شکر نعمت نکنی. {1}

فردی که پستی، دنائت و بخل دارد، شاکر نعمت نیست، عکس آن نیز صحیح است یعنی فردی که شکر می کند، کریم است و در روایت دارد که الکریم یشکر القلیل.

در قرآن کریم اول کسی که به شاکر و شکور، وصف شده است، خداوند متعال است، البته با دقت عقلی صدق این صفت بر حق متعال ناصحیح است، زیرا شکر، واکنش مثبت از بهره مند إحسان از دیگری است، و خداوند بهره مند نیست تا شکرگزاری در حق او صادق آید.

شکور صیغه مبالغه است و فزونی شکرگزاری را می رساند که همان تکرار شکر و تداوم آن با قلب و لسان و اعضاء است. البته همانطور که ذکر شد گاهی این صفت برای خداوند نیز آورده شده است مانند آنچه در آیه 17 سوره تغابن آمده: «والله شکور حلیم؛ و خدا سپاسگزار بردبار است» و منظور از شکرگزاری خداوند آنست که به مقداری که بندگان در مسیر طاعت او گام برمی دارند آنها را مشمول مواهب و الطاف خویش می سازد، و از آنها تشکر و سپاسگزاری می کند، و از فضل خود با اینکه استحقاق ندارند بر آنها می افزاید. خداوند در قرآن کریم ذکر می کند که: «لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید؛ اگر از نعمتهای الهی شکرگزاری کنید او هم آن نعمتها را زیاد خواهد نمود و گرنه اگر کفران نعمت کنید عذاب الهی به شما هم قطعاً خواهد رسید» (ابراهیم/ 7).

سرّ آنکه این وصف را بر خود صادق می آورد، لطف اوست چنانکه در مواردی چند مانند قرض دادن به او شاهد هستیم. آیا تا به حال در استحقاق بهشت به واسطه عبادت، اندیشیده اید؟ آیا به راستی عبدی را که ذاتش و آنچه در تصرف اوست، ملک حقیقی خداوند است، توان آن دارد که از استحقاق خود سخن به میان آورد، اینها همه از محبت و لطف خداوند است، دستگیری های حق متعال به اندک مناسبت هایی از لطف بی پایان او بیشتر سخن می گوید.

ذیل آیه 70 سوره مبارکه بقره، روایتی است که می فرماید: بنی اسرائیل بعد از آنهمه لجاجت و آزار و اذیت را خداوند نجات داد

چون استثنا به زبان آورده و گفتند: إنا ان شاء الله لمهتدون.

این رویه دستگیری و یاد کرد به اندک مناسبت در سیره نبی مکرم اسلام ص آمده است، از سیره‌های زندگی حضرت که تا آخر عمر بدان پایبند بودند، یکی آن است که هرگاه قربانی می‌داد، مقداری از آن را برای دوستان حضرت خدیجه س می‌فرستاد.

اینگونه به یادسپاری و دستگیری آن هم از دوستان همسر مرحوم، جای بسی غبطه دارد، زیرا معمول انسان ها تا مراسم های معمول همسر به یاد او یا اطرافیان او هستند و بعد با گذشت زمان، رفته رفته همه چیز را به فراموشی می‌سپارند، اما نبی مکرم اسلام ص چنین نبودند و همواره تا آخر عمر به یاد حضرت خدیجه س و حتی دوستان او بودند. {2}

یکی از همسران پیامبر که حضرت را اذیت می‌کرد و در کارهای آن جناب دخالت نیز می‌کرد به این سیره حضرت در قبال حضرت خدیجه پس از ارتحال آن بانو، اعتراض کرد و حضرت در پاسخ او فرمود: رزقت حبّها {3} و می‌دانید که اگر نعمت حُبُّ، رزق فرد شد هیچگاه پایان ندارد.
یکی از اساتید ما ایده الله تعالی می‌فرمودند:

محضر حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی ره درس می‌رفتیم، سیره استاد بر آن بود که قبل از درس انکاری را زیر لب می‌خواند، وقتی بیشتر با ایشان مأنوس شدیم، از وجه آن پرسیدیم که چه نکری و به چه منظور می‌فرمایند؟ فرموده بودند که فاتحه ای بر مرحوم حاج شیخ موسس حوزه علمیه قم یا اساتیدم {4} می‌خوانم و بعد از آن درس را شروع می‌کنم.

عدم فراموشی نوری الحقوق از اخلاق کریمانه است، این خلق سپاس، نمادهایی دارد که در ادامه پی می‌گیریم.

نمادها و نمادهای شکر

1. تلاش درخور

تلاش در خور خود نوعی از شکر است، خداوند مدت زمانی را در اختیار ما گذاشته است باید با به کار گیری این نعمت، (نعمت عمر، نعمت جوانی، نعمت حافظه و توان) در راستای اهدافی که خداوند از انسان می‌خواهد، شکر عملی به جای آوریم .

2. انتساب نیکی به صاحب نیکی

گاه انسان حاضر نیست، نیکی را به صاحب نیکی نسبت دهد و این از روحیه سپاس و شکر به دور است، شما روحیه دو شخص را با هم مقایسه بفرمایید، قارون و جناب آصف بن برخیا.

قارون را توهم برداشته بود و می‌گفت: إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي {5} دانش را فضیلتی بریده از رازق آن به حساب می‌آورد و حاضر نبود آن را به خداوند که منعم اوست، نسبت دهد،

3. اطاعت

بدون تردید اطاعت از خداوند و حجت معصوم، از نمادها و نمادهای اصلی شکر نعمت توحید و نبوت و ولایت است، فردی که اهل اطاعت نیست، شاکر نعمت شریعت و دین خداوند نیست.

4. یاد بسیار و ذکر مناسب

روزها یکی پس از دیگری می‌گذرد، چه مقدار نوری الحقوق را یاد می‌کنیم، در 24 ساعت گذشته چه مقدار از امام زمان عج یاد

کرده‌ایم، ما نعمت ولایت را چگونه سپاسگزاری می‌کنیم. ما روحانیون گاه ده جلسه سخنرانی می‌کنیم، در این میان چه قدر از ولی عصر عج یاد می‌کنیم، البته که هرفردی را لیاقت آن نیست که یاد حضرت کند اما چرا نباید این لیاقت را حائز شویم.

یاد کرد و شکر خداوند را باید با انکاری ویژه شکر به زبان آورد، زیرا انکار بسان میوه‌ها هستند، علی‌رغم آنکه نمی‌توان یکی را به دیگری ترجیح داد، نمی‌توان خواص هر یک را از دیگری انتظار داشت. اگر برای پیوند با اهل بیت، لا اله الا الله بگوید، به منظور توحید، صلوات بفرستد و دعای فرج زمزمه کند، توجه به آثار انکار نکرده است.

برای پیوند با اهل بیت ع باید صلوات فرستاد و برای توحید باید لا اله الا الله گفت و برای شکر باید الحمد لله رب العالمین گفت و در روایات این ذکر بهترین قالب برای شکر بیان شده است، این ذکر شیخ الانکار است.

عوامل عدم شکرگزاری

روحیه ناسپاسی، مولود علل گوناگونی است، برخی از این علت‌ها به شرح ذیل است:

1. لقمه حرام

لقمه حرام، آتشی در جان انسان می‌اندازد و خود چرثومه‌ای برای فسادهای بسیار است، یکی از آثار نامطلوب آن ناسپاسی است.

2. استکبار

استکبار در حوزه فردی نیز مطرح است، روحیه‌ای است که براساس خود بزرگ بینی، بسیاری را از خود کوچک تر می‌داند تا در برابر خیرخواهی و نیکی دیگران، تشکر کند و براساس خود بزرگ بینی، بی انصافی بزرگی را صورت می‌دهد.

3. طلبکاری

طلبکاری در غیر امور مالی نیز مطرح است، روحیه‌ای که همه را بدهکار خود می‌داند، نیکی همه را از جمله وظیفه‌های آنان می‌داند و عمل به وظیفه را موجب سپاس نمی‌داند که هیچ بلکه در صورت عدم انجام مستحق برخورد می‌داند، روحیه طلبکاری، بسیار خطرناک است.

در گذشته فرزندان کوچک ترین هدیه و خرید پدر را مایه تشکر می‌دانستند، حال کیفیت کالاهای گذشته چگونه بود، فرزند کتاب‌های درسی را در پاکت و پلاستیک به مدرسه می‌برد و با دمپایی بسیار ساده رفت و آمد می‌کرد و در عین حال، شاکر و دست‌بوس والدین بود. اما امروزه گفتمان فرزندان، طلبکاری است.

پدر، بهترین امکانات را در اختیار فرزندان قرار می‌دهد ولی اصلاً به چشم آنها نمی‌آید بلکه پیوسته بیشتر می‌خواهند و طلبکار پدر هستند و این روحیه موجب ناسپاسی است.

حال نعوذ بالله اگر انسان خود را طلبکار خداوند بداند، چه مصائبی را بر خود فرو می‌آورد.

4. جهل و بی معرفتی

انسان‌ها به طور معمول از برخی نعمت‌ها شکرگزاری می‌کنند نعمت‌هایی مانند سلامتی، خانه خوب و... اما یک بار در اندیشه او نمی‌گذرد که از نعمت توحید، نبوت، قرآن، امامت شکرگزاری کند. این ناسپاسی ریشه در عدم شناخت دارد، اگر توجه کند

که اگر این باورهای صحیح را نمی‌داشت، بسان بسیاری از انسان‌های در جهان حیران و گمراه بود، سجده شکر به جای می‌آورد.

آثار شکر

آثار اعمال نیک در مراتب است، برخی از آثار در دنیا برخی دیگر در برزخ و برخی دیگر در آخرت ظهور و بروز می‌کند.

فردی پس از وفات مرحوم علامه مجلسی ایشان را در خواب می‌بیند. از مرحوم علامه می‌پرسد که چه چیزی شما را به کار رسید؟ ایشان پاسخ می‌دهد که روزی گرسنه بودم و رفتم نانی خریدم در راه بازگشت سگی را دیدم که بسیار گرسنه بود نان را به او دادم و الان از آن عمل بهره مندم.

مرحوم آیت الله شاه آبادی ره - استاد حضرت امام خمینی قدس سره - در این باره فرمودند: اجر بحار الانوار را برای قیامت مرحوم مجلسی گذاشته اند و آنچه بیان شده است برای ثواب برزخی ایشان بوده است.

یکی از فضیلت‌هایی که اثر خود را در دنیا نشان می‌دهد شکر است. امام صادق ع در تعریف شکر فرموده‌اند:

«و الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَ اِمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ» {6} لذا پاداش شکر در دنیا نیز خود را نشان می‌دهد.

شناخت منعم‌ها

به طور معمول انسان‌ها یکسری منعم‌ها را می‌شناسند، اما از یکسری منعم‌ها غفلت می‌ورزند و خود باعث ناسپاسی می‌شود، به عنوان مثال دانش پژوهان اساتید بی‌واسطه را می‌شناسند اما اساتید با واسطه غفلت دارد فردی که بیست سال از کتاب شیخ انصاری ره استفاده می‌کند، اما مرحوم شیخ را منعم نمی‌داند، در غفلت است.

فرشتگان نیز از ذوی الحقوق ما هستند، اول معلم ما جناب جبرائیل است زیرا که معلم پیامبر است و معلم معلم، معلم است
عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى {7}

بزرگان دین فرشتگان را با احترامی به وزن امامان ع یاد می‌کنند و از انبیاء ع با القابی مانند شیخ الشریعة نوح ع و شیخ الانبیاء ابراهیم ع یاد می‌کنند. سوره مبارکه صافات از آن دسته انکاری است که قرائت روزانه آن توصیه شده است، این سوره مبارکه هرچند به نام صافات معروف است ولی از نگاه محتوایی سوره انبیاء ع است، و انس با این سوره مبارکه انس با برترین انسان‌های عالم است، به ویژه اگر ثواب قرائت را نیز به آنان هدیه کنیم، خود ارتباطی با آن بزرگواران است، چرا که انسان‌های عادی در قبال هدیه عکس العمل نشان می‌دهند تا چه رسد به آنان که در قله‌های انسانیت ایستاده‌اند. این سوره را حتی می‌توانید این سوره را به فرشتگان هدیه کنید.

در پایان توصیه می‌شود: کارهای خوب خود را به روی شن بنویسیم و کارهای خوب دیگران را بر سنگ حک کنیم، کارهای خوب خود را به فراموشی بسپاریم و کارهای خوب دیگران را در خاطر خویش ثبت کنیم.

الحمد لله ربَّ العالمین

{1} ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 236

{2} پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل علاقه‌ای که به همسر با وفای خود، حضرت خدیجه، داشت، به دوستان و نزدیکان

او نیز احترام می‌گذاشت. در این باره به چند روایت تاریخی توجه کنید: روزی زنی پیر و از کار افتاده نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت. رسول خدا با او مهربانی کرد و با ملاطفت ویژه ای از او پذیرایی فرمود. پس از رفتن او، عایشه پرسید: «او چه کسی بود که این چنین با او رفتار کردی؟» پیامبر فرمود: «این زن در زمان حیات خدیجه، با او رفت و آمد داشت و پیمان دوستی بسته بود. و خوش پیمانی از نشانه‌های ایمان است.» عایشه می‌گوید: روزی هاله، خواهر خدیجه، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجازه ورود خواست. همین که رسول خدا صدای او را شنید، به یاد خدیجه افتاد و رنگ از رخسارش پرید. بعد فرمود: «آه خدایا، هاله آمده.» حسانه یکی از دوستان خدیجه بود که پیامبر پس از فوت خدیجه، گاه گاه به او سر می‌زد و احوال او را جویا می‌شد. گاهی که هدیه ای به پیامبر داده می‌شد، می‌فرمود: بخشی از آن را برای فلانی ببرید. او دوست خدیجه بود. بحار الانوار، ج 16، ص 8 اسد الغابه، ج 7، ص 285 و 64

{3} وعن عائشة أيضاً قالت ما غرت على نساء النبي صلی الله علیه وآله وسلم إلا على خديجة ، واني لم أدركها ، (قالت) : وكان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم إذا ذبح الشاة فيقول : أرسلوا بها إلى اصدقاء خديجة قالت : « أي عائشة » فاغضبته يوماً فقلت : خديجة !! فقال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم : « اني قد رزقت حبها » صحيح مسلم : ج 7 ، ص 134 ، ومثلها في صحيح البخاري : ج 5 ، ص 38 و 39 .

{4} تردید از گوینده است.

{5} قصص 78.

{6} تحف العقول ص 366

{7} نجم: 5